

قوانین دادرسی نوجوانان در ایران

(چالشها و راهکارها)^(۱)

□ دکتر حسین میر محمد صادقی

(معاون آموزش و تحقیقات قوه قضائیه)

- رئیس دانشکده علوم قضائی

چالشها:

کودکان و نوجوانان از آسیب پذیرترین گروه‌های اجتماعی و در نتیجه، نیازمند حمایت‌های ویژه می‌باشند. یکی از مسائل بغرنج کنونی که برای تمامی جوامع مشکل‌آفرین می‌باشد، مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان و شیوه‌های رسیدگی به این جرایم است. افزایش تعداد کودکان و نوجوانان (مخصوصاً در جامعه جوانی مثل جامعه ایران، که به موجب سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ حدود ۳۵ درصد از جمعیت آن را جوانان زیر ۲۵ سال - که تعداد قابل توجهی از آنان نیز در سنین کودکی و نوجوانی می‌باشند - تشکیل می‌دهند)، بالا بودن نرخ طلاق و از هم پاشیدگی خانواده‌ها، معضلات و مشکلات اقتصادی، فیلمها و کتابهای انحرافی، سهولت امر حمل و نقل و مسافرت به سوی شهرهای بزرگ، تضعیف باورهای مذهبی و اخلاقی در نوجوانان و برخی از



عوامل دیگر موجب افزایش نرخ بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان در بسیاری از کشورهای جهان شده است. این واقعیت، لزوم اندیشیدن تمهیداتی را برای محاکمه و دادرسی کودکان و نوجوانان ایجاب می‌نماید تا در عین اینکه جامعه از این گونه بزهکاریها در امان باشد، شخصیت کودک و نوجوان بزهکار نیز حفظ و بازسازی شود؛ به گونه‌ای که وی بتواند یک زندگی منطبق بر معیارهای اجتماعی را در پیش گرفته و از دنیای جرم و جنایت دوری گزیند.

تاریخچه:

تا قبل از سال ۱۳۳۸ هـ.ش (۱۹۵۹ میلادی)، مقررات خاصی در مورد دادرسی اطفال و نوجوانان در نظام کیفری ایران وجود نداشت؛ هر چند که قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، طبقه‌بندی سنی و مجازاتهای خاصی را برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال پیش‌بینی کرده بوده که از جمله آنها، تسلیم به اولیاد (در مورد اطفال زیر ۱۲ سال) و اعزام به دارالتأدیب (در مورد اطفال بین ۱۵ تا ۱۸ سال) بود. در سال ۱۳۳۸، قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، در راستای اجرای مصوبات

مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، که مطابق ماده (۱) آن، «به کلیه جرایم اطفال که سن آنها بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام است طبق این قانون در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود؛ لیکن با توجه به اینکه مطابق ماده (۲۲) قانون، باید در مقر هر دادگاه اطفال، یک کانون اصلاح و تربیت توسط وزارت دادگستری برای اجرای قانون تأسیس گردید و اینکه، طبق ماده (۳۰)، این قانون پس از تصویب آیین نامه‌های مربوط قابل اجرا بود؛ در عمل زمینه اجرای قانون تا سال ۱۳۴۵، یعنی سال تصویب آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، فراهم نیامد. پس از تصویب آیین نامه قانون اصلاح و تربیت اولین کانون اصلاح و تربیت و اولین دادگاه اطفال در تهران تأسیس شد و در حال حاضر، در چند شهر مهم کشور از جمله مشهد و اهواز کانون اصلاح و تربیت تأسیس شده و فعالیت دارد. مطابق ماده چهاردهم از آیین نامه، کانون از سه قسمت نگهداری موقت، اصلاح و تربیت و زندان تشکیل می‌شود و در هر قسمت، اطفال برحسب سن و جنسیت نیز از یکدیگر تفکیک می‌گردند.

ارائه تعلیمات لازم به افراد در ماده شانزدهم، پیش بینی شده است. در سال ۱۳۵۲، قانون مجازات عمومی ایران اصلاح گردید و ضمن ارائه طبقه بندی خاصی از اطفال، شیوه برخورد با اطفال را در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل نشده بود، مشخص کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۵، با تصویب قوانینی چون لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی در سال ۱۳۵۸ و نیز با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۶۱، قانون تشکیل دادگاههای اطفال عملاً منسوخ گشت و از آن پس، به جرایم علیه اطفال در همان دادگاههای کیفری یا شعب خاصی از آنها رسیدگی می شد. پس از اینکه مجلس شورای اسلامی ایران در اول اسفند ماه ۱۳۷۲ (۲۰ فوریه ۱۹۹۴)، پیمان نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مورد تصویب قرار داد، دو قانون در ایران به تصویب رسید که هریک می تواند در جهت تشکیل دادگاه خاص اطفال بزهارکار مورد استفاده قرار گیرد. یکی از این دو قانون عبارت از «قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» و آیین نامه اجرایی آن، هر دو مصوب سال ۱۳۷۳ و دیگری، «قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب»، مصوب سال ۱۳۷۸ می باشد. وجود موادی در این دو قانون، راه را برای تشکیل دادگاه اطفال بزهارکار هموار می سازد. تبصره هشتم از قانون «تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» به رئیس قوه قضائیه اختیار می دهد که در هر حوزه قضائی، هریک از قضات را متناسب با تجربه و تبخّر آنها، با

ابلاغ خاص، برای رسیدگی به امور کیفری، حقوقی، خانوادگی، اطفال، دریایی، پزشکی و دارویی، صنفی و امثال آن تعیین و منصوب نماید. صرف تعیین یک قاضی با ابلاغ خاص برای رسیدگی به جرایم اطفال، کافی به نظر نمی رسد و بنابراین، ماده (۲۱۹) قانون اخیرالتصویب آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، اجازه داده است که در صورت نیاز در هر حوزه قضائی یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به کلیه

طبق تبصره اول از ماده (۲۱۱) قانون مساجلات اسلامی بزهارکار اگرچه شونده در قتل طفل غیر ممیز باشد اگرچه کننده قصاص و هزهارکار طفل ممیز باشد، اگرچه شونده حبس استنسی شونده

جرایم اطفال اختصاص داده شود.

البته در کنار این امر، باید این نکته را مورد تأکید قرار داد که قانون اصلاح و تربیت در مقررات پس از انقلاب مورد تأیید قرار گرفته و حتی تقویت نیز شده است. نمونه بارز این تأیید در ماده (۴۹) از «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ میلادی) مشاهده می شود که اطفال را در صورت ارتکاب جرم میرا از مسئولیت کیفری و تربیت آنان را به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و در صورت اقتضاء، قانون اصلاح و تربیت اطفال گذاشته است.

اینک با توجه به اینکه تشکیل دادگاههای اختصاصی در نظام کیفری ایران

پذیرفته شده است، که از این میان می توان از دادگاههای نظامی و دادگاههای انقلاب و مخصوصاً دادگاههای خانواده (که به موجب ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۶، برای رسیدگی به اموری مثل نکاح و طلاق و حضانت اطفال تشکیل شده اند) نام برد و نیز با توجه به اختیار مذکور در «قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب»، باید نسبت به تشکیل دادگاههای خاص اطفال، متشکل از قضات ذی صلاح، در تمامی حوزه های قضائی اقدام ضروری مبذول داشت. لازم به ذکر است که بحث تصویب قانون خاص و جامعی برای تشکیل دادگاه اطفال حداقل از سال ۱۳۷۲ در جلسات مسئولین قضائی عالی رتبه کشور مطرح بوده، ولی بنا به دلایلی هنوز به نتیجه غایی نرسیده است. در حال حاضر با توجه به اینکه تخصصی کردن محاکم در همه زمینه ها یکی از اولویتهای مسؤولان جدید قضائی کشور است - که در همین راستا ایجاد دادگاههایی برای رسیدگی به دعاوی کوچک موضوع بحث جلسات اخیر مسؤولان قضائی کشور بوده است - به نظر می رسد که وقت مناسبی برای فعال کردن مباحث قبلی در مورد تشکیل دادگاههای خاص اطفال، حداقل در مراکز استانها و در شهرهای بزرگ کشور فرا رسیده باشد.

راهکارها:

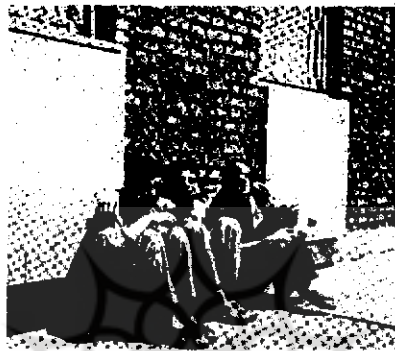
با تشکیل دادگاههای اطفال و ایجاد کانونهای اصلاح و تربیت در نقاط مختلف کشور، باید به نکات ذیل نیز توجه لازم را مبذول داشت:

۱- هرچند که بلوغ در فقه اسلامی شرط لازم برای تحصیل مسئولیت کیفری

است و این امر در احادیث معروف به "رفع قلم" مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله در این روایت که «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الثَّلَاثَةِ، عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَفِيْقَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ»^(۲) نیز، "عند الصبي و خطاه واحد"^(۳)،... لیکن به نظر نمی‌رسد که رسیدن به سن بلوغ به تنهایی برای تحمیل مسؤلیت کیفری و مدنی کافی باشد. لذا در این راستا ضرورت دارد که سن رشد نیز در کنار سن واقعی بلوغ (که مبتنی بر واقعیات اجتماعی امروز باشد) به عنوان پایه دوم برای احراز مسؤلیت کیفری کامل در قوانین کیفری ما بصراحت پیش‌بینی شود. هرچند که این امر با توجه به "قانون راجع به رشد متعاملین" مصوب سال ۱۳۱۲ در امور مدنی و معاملاتی انجام شده است ولی انجام آن در امور کیفری نیز ضروری به نظر می‌رسد و این کار باید با توجه به واقعیتهای اجتماعی انجام گیرد. جالب آنکه در قرآن نیز به این موضوع اهمیت بسیار داده شده است. در این کتاب آسمانی اولاً، از "بلوغ خُلْم" (به معنی زمان تحریک قوای جنسی) نام برده شده، آنجا که آیه پنجاه و نهم از سوره شریفه نور می‌فرماید: «وَ إِذَا بَلَغَ الْاَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلْمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا».

ثانیاً، "بلوغ نکاح" مورد اشاره قرار گرفته است، آنجا که خداوند در آیه ششم از سوره شریفه نساء دستور می‌دهد که «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» که این آیه در تبصره دوم از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران انعکاس یافته است) و بالاخره در مرحله سوم از "بلوغ اشد" نام برده

شده است، آنجا که خداوند ضمن آیه یکصد و پنجاه و دوم از سوره شریفه انعام می‌فرماید «وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِأْتَىٰ هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ». البته برخی از مفسرین این آیه را به معنی کمال عقل و شروع آن را غالباً ۱۸ سالگی دانسته‌اند^(۴)، که با توجه به واقعیتهای جامعه امروز، سن معقولی به نظر می‌رسد. برخی از فقها، به رغم اینکه کمال عقل را جزء عوامل بلوغ دانسته‌اند، سنی را برای آن تعیین نکرده‌اند.^(۵)



۲- تعیین سنی که طفل تا قبل از رسیدن به آن فاقد قوه تمیز و در نتیجه فاقد هر نوع مسؤلیت کیفری است، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. این سن در کشورهای مختلف پیش‌بینی شده و متفاوت است، به طوری که در انگستان ۱۰ سال، در کانادا و هلند ۱۲ سال، در ایتالیا و در قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه (کد ناپلئون) ۷ سال می‌باشد. در میان فقهای مسلمان نیز می‌توان اظهاراتی را در مورد مسؤل نبودن افراد زیر هفت سال یافت، که از جمله می‌توان به کتاب «الاستبصار» شیخ طوسی اشاره کرد.^(۶)

اهمیت پیش‌بینی سن عدم مسؤلیت کیفری، بخصوص از جهت اعمال نظریه «عاملیت بی‌گناه»^(۷) حائز اهمیت است. مطابق این نظریه، هرگاه چنین کودکی

توسط شخص بزرگسالی به ارتکاب جرم تحریک و تشویق شود، شخص بزرگسال را باید مباشر جرم و کودک را عامل و ابزار بی‌گناهی در دست وی و در نتیجه فاقد هر نوع مسؤلیت کیفری دانست. تشخیص این امر از سایر جهات نیز در قوانین ایران، از اهمیت برخوردار می‌باشد. مثلاً طبق تبصره اول از ماده (۲۱۱) قانون مجازات اسلامی: «هرگاه اکراه شونده در قتل طفل غیر ممیز باشد اکراه کننده قصاص و هرگاه طفل ممیز باشد، اکراه کننده حبس ابد می‌شود». بنابراین، تشخیص سنی طفل ممیز از طفل غیر ممیز برای تعیین میزان مجازات اکراه کننده ضروری است.

۳- اهمیت مرحله تحقیق را در دادرسیهای راجع به اطفال و نوجوانان نباید دست کم گرفت. از همین روست که در ماده ششم از قانون مربوط به «تشکیل دادگاه اطفال بزهار» مصوب سال ۱۳۳۸، رسیدگیهای مقدماتی در این موارد برعهده دادگاه اطفال - و نه ضابطین دادگستری - گذاشته شده بود. در ماده (۲۱۱) از قانون «آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب» مصوب ۱۳۷۸، نیز، رسیدگی مقدماتی در جرایم اطفال، اعم از تعقیب و تحقیق، برعهده دادرس یا قاضی تحقیق گذاشته شده است. بسیار مناسب است که در این موارد، به تشکیل نیروهای پلیس یا دادستانی ویژه نوجوانان، که برای پیگیری تحقیقات و تعقیبات مربوط به جرایم ارتكابی از سوی کودکان و نوجوانان از تخصصهای لازم برخوردار باشند، اقدام نمود. در این راستا چه بسا مناسب باشد که ضمن احیای سازمان پلیس قضائی (که به قرار اطلاع اقداماتی در جهت احیای آن در

دست انجام است) بخشی از آن به پیگیری جرایم کودکان و نوجوانان اختصاص داده شود.

۴- حتی المقدور باید از تماس طفل با نظام قضائی و دادگاهی که موجب شکستن حرمت و نقض قانون در نظر طفل می شود، جلوگیری نمود. در این زمینه می توان دادن اخطار از سوی پلیس قضائی مذکور در بند قبل را پیش بینی کرد و یا یک نهاد میانجی و سازشگر، برای سازش دادن بین طفل بزهکار و قربانی جرم راه، در جرایم برخوردار از ماهیت خصوصی پیش بینی نمود و یا براساس آنچه که در برخی از کشورها پیش بینی شده است، ملاقاتی را بین طفل و خانواده اش و نماینده ای از سوی دادگاه برای تذکر دادن موارد تخلف طفل پیش بینی کرد.^(۸)

۵- لزوم انجام دادرسی، شیوه دادرسی در جرایم کودکان و نوجوانان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه باید از روش ساده ای که تابع مقررات آیین دادرسی نباشد، پیروی کرد که این امر در ماده شانزدهم از قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار^۹ پیش بینی شده است. همین طور پیش بینی امکان عدم حضور طفل در دادگاه با توجه به مصلحت وی (که در ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب^{۱۰} مصوب سال ۱۳۷۸ پیش بینی شده است) و علنی نبودن دادرسی و منع انتشار جریان دادگاه و افشای هویت طفل متهم (که در ماده ۲۲۵ قانون مذکور مورد اشاره قرار گرفته است) از پیش بینی های بسیار مفید و ضروری بوده است. امکان استفاده طفل از خدمات وکلای تسخیری نیز، که در ماده دویست و

بیستم از قانون فوق مورد اشاره قرار گرفته، از پیش بینی های خوبی است که با بند سوم از ماده سی و هفتم «پیمان نامه حقوق کودک»، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۸۹ منطبق می باشد. چه خوب است هر از چندگاهی در این زمینه برخی از وکلا از سوی نهادهای مربوط، مثل کانون وکلا، برای وکالت در دعاوی خاص مرتبط با اطفال بزهکار آموزشهای لازم را ببینند.

حضور مشاوران زن، با توجه به جنبه

در مورد اطفال بزهکار باید علاوه بر مجازاتهای سنتی یا به جای آنها، به مجازاتهایی که بیشتر جنبه تعلیمی و آموزشی دارند و اقداماتی مثل انجام کارهای عام المنفعه متوسل شد.

عاطفی آنها، در محاکم اطفال از ضروریات می باشد. خوشبختانه در سالهای اخیر تعداد زنان دارای ابلاغ قضائی روبه افزایش بوده و دانشکده علوم قضائی، وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نیز در سالهای اخیر به تربیت دانشجویان دختر برای ورود به مشاغل قضائی همت گماشته است.

۶- تنوع مجازاتهایی که در مورد اطفال بزهکار در دسترس است، از اهمیت خاصی برخوردار است. در مورد اطفال بزهکار باید علاوه بر مجازاتهای سنتی یا به جای آنها، به مجازاتهایی که بیشتر جنبه تعلیمی و آموزشی دارند و اقداماتی مثل انجام کارهای عام المنفعه متوسل شد. خوشبختانه در فقه اسلامی، مفهوم

تعزیرات با این طرز تفکر سازگاری داشته و مجموعه گسترده ای از اقدامات برخوردها را دربر می گیرد که از اقدامات خفیفی چون عطف، توبیخ، تهدید و تشهیر شروع شده و به اقدامات سنگین تری مثل حبس منتهی می گردد که انتخاب هریک از اینها، به عهده حاکم است. بدین ترتیب، دست حکومت در نوع برخورد با این گونه بزهکاران بسته نیست، پیش بینی آزادی توأم با مراقبت^(۹) یا سپردن طفل بزهکار به خانواده های مورد اعتمادی غیر از خانواده خود طفل هم می تواند مفید و مؤثر باشد.

۷- مواردی مثل تخفیف و تعلیق مجازات و آزادی مشروط باید در مورد اطفال بزهکار با شرایط سهلی قابل اجرا باشد.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که در تدوین و نهایی کردن قانون مورد بحث استفاده شایسته از قانون نمونه دادرسی ویژه نوجوانان تهیه شده از سوی مرکز پیشگیری از جرایم بین المللی سازمان ملل متحد، و پیمانهای بین المللی متعددی که در این زمینه منعقد شده اند، می تواند بسیار مفید و کارساز باشد.

پی نوشتها:

- ۱- متن مقاله ارائه شده به همایش مشترک یونسف و دادستانی کل کشور، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴ خصال، ص ۱۷۵.
- ۳- خوئی، تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۷۵.
- ۴- برای مثال، ر.ک. علامه طباطبائی، تفسیرالمیزان، ج ۱۱، ص ۱۱۸ و ج ۱۶، ص ۱۱.
- ۵- برای مثال، ر.ک. شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۳، ص ۶۲.
- ۶- شیخ طوسی، کتاب الاستبصار، ج ۴، ص ۲۴۹.
- ۷- Innocent agency
- ۸- نگاه کنید به نشریه Innocenti Digest مرکز بین المللی رشد کودک وابسته به صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ژانویه ۱۹۹۸، ص ۱۱.
- ۹- Probation